



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ببحثمان درباره آیه وفاء یعنی آیه ۱ از سوره مائده بود: «یا ایُّها الذین آمنوا أوفوا بالعقود» در این آیه از چند جهت باید شود؛ اول اینکه معنای عقود چیست؟ مرحوم مقدس اردبیلی در زیادة البیان فی أحكام القرآن عقود را به عقود تفسیر کرده و عهد یعنی چیزی که انسان به عهده می گیرد و ملتزم به آن می شود، ایشان فرموده که عهد و عقد هر دو به یک معنی هستند منتهی عقد تأکید بیشتری را می رساند پس عهد بر عقود صدق می کند مثل بیع که در آن بایع تصمیم می گیرد و پیمان می بندد که اضافه خودش با مبیع را قطع کند و آن را به مشتری منتقل کند و از آن طرف مشتری نیز متعهد می شود که اضافه اش با ثمن را قطع کند و آن را به بایع منتقل کند خلاصه وقتی این دو عهد و التزام به همدیگر پیوند می خورند عقد حاصل می شود پس عقد یک عهد مؤکد بین دو نفر می باشد که تأکید در آن به ترتیبی که ذکر شد بوجود آمده است، این تفسیر از عهد و عقد در تفسیر مجمع البیان و در مجمع البحرین و در حاشیه حاج شیخ محمد حسین اصفهانی بر مکاسب نیز ذکر شده است.

حضرت امام (ره) به این تفسیر اشکال کرده و فرموده که عهد با عقد فرق دارد، عهد چیزی است که انسان در ذمه خودش قرار می دهد و به آن ملتزم می شود مثل نذر و عهد و یمن اما عقد لغتاً به معنای گره زدن دو رشته به همدیگر می باشد پس عهد و عقد لغتاً با هم فرق دارند لذا نمی توانیم بگوئیم: (کلُّ عهدٍ عقدٌ و کلُّ عقدٍ عهدٌ) و در قرآن کریم نیز عقد در همین معنای لغویش استعمال شده مثل این آیه: «من شرَّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعَقْدِ» نفثات زنجایی بودند که ورد و جادو می خواندند و بعد به یک نخ گره می زدند بنابراین عهد و عقد لغتاً با هم فرق دارند البته ممکن است گاهی مصداقاً با هم در یک جا جمع بشوند ولی مفهوماً دارای دو معنای متغایر با هم می باشند.

ملا احمد نراقی کتابی دارد به نام عوائد که در آن ۸۸ عائده ذکر کرده است که اولین آنها مربوط به همین آیه وفا می باشد و عائده ۵۴ نیز درباره ولایت فقیه است که بسیار مفصل و مبسوط می باشد، ایشان در اولین عائده که مربوط به آیه وفاء می باشد از کتب لغت (صحاح اللغة و لسان العرب و قاموس) نقل کرده که عهد و عقد از لحاظ معنی خیلی با هم فرق دارند، مثلاً در قاموس گفته شده: «العقد: عقد الحبل» یعنی گره زدن و پیوند دادن دو ریسمان به همدیگر که در بیع نیز اضافه بایع و مشتری را به هم پیوند می زند و متبدل می کنند، بعد ایشان معانی زیادی را برای عهد ذکر کرده است من جمله اینکه در آیه شریفه: «و إذ ابتلی إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ (بقره آیه ۱۲۴)» مراد از عهد منصب امامت می باشد.

همانطور که عرض کردیم عهد در قرآن و روایاتمان دارای معنای بسیار وسیعی می باشد من جمله در معانی: ۱. وصیت ۲. یمین ۳. آنچه که به ولایة نوشته می شود مثل نامه ۵۳ نهج البلاغه: «و من عهده إلی مالک بن حارث أشر» ۴. إلتقاء مثل اینکه شخصی بگوید من با شما خیلی بعید العهد شده ام یعنی بعید الملاقات شده ام، خلاصه معلوم می شود که عهد و عقد دارای یک معنا نیستند بلکه از لحاظ لغوی باهم فرق دارند البته ممکن است گاهی از لحاظ معنی با هم تصادف پیدا کنند.

خوب حالا به چند آیه از قرآن که در آنها کلمه عهد و عقد بکاررفته اشاره می کنیم؛ اول: آیه ۱۲۵ از سوره بقره: «و عهدنا إلی ابراهیم و إسماعیل أن طهراً بیتی للطائفین» خداوند در این آیه به ابراهیم و إسماعیل دستور داده و برای آنها ایجاد وظیفه کرده که آن طهراً بیتی للطائفین.

دوم: آیه ۶۰ از سوره یس: «ألم أعهد یا بنی آدم أن لاتعبدوا الشیطان» یعنی آیا من به شما توصیه و تأکید نکردم که شیطان را نپرستید.

سوم: آیه ۳۴ از سوره اسراء: «و أوفوا بالعهد إنَّ العهد کان مسئولاً» باید به هر عهدی و به هر چیزی که در ذمه خودتان قرار داده اید وفا کنید إنَّ العهد کان مسئولاً.

مطلب دوم که بسیار مهم می باشد این است که مرحوم نراقی در کتاب عوائد بر استدلال به این آیه وفاء اشکال کرده و فرموده به خاطر الف و لام العقود به این آیه نمی توانیم برای صحت معاطات استدلال کنیم زیرا الف و لام گاهی عهد ذکر است یعنی ابتدا در کلام چیزی را به صورت نکره ذکر کرده و بعد همان را با الف و لام به صورت معرفه ذکر کرده مثل: «أرسلنا إلى فرعون رسولاً فعصى فرعون الرسول»، گاهی الف و لام عهد ذهنی است یعنی می خواهد چیزی را که در ذهن خودش هست بیان کند، و گاهی الف و لام عهد خارجی می باشد مثل إشتري اللحم و أدخل السوق یعنی مولی امر به آن سوق و لحمی که در خارج معهود است می کند و گاهی الف و لام استغراقی می باشد، خوب محقق نراقی فرموده سوره مائده آخرین سوره ای بوده که بر پیغمبر(ص) نازل شده و از طرفی خداوند در مدت ۲۳ سال رسالت پیغمبر(ص) احکام زیادی را بیان کرده که تمام آنها عقودی بین او و بندگانش می باشند پس در نتیجه أوفوا بالعقود یعنی اینکه به آن عقودی که تا به حالا برای شما بیان کرده ایم وفا کنید پس تقریباً به آن عقود خاص نظر دارد پس الف و لام در العقود عهد خارجی می باشد لذا در هر جایی که ما در صحت یک معامله و عقد و بیعی شک کردیم نمی توانیم به این آیه تمسک کنیم، خوب این اشکال مرحوم نراقی بر استدلال به آیه وفاء بود که خدمتتان عرض شد جواب از اشکال بماند برای جلسه بعد....

والحمد لله رب العالمين أولاً و آخراً و صلى الله على

محمد و آله الطاهرين

چهارم: آیه ۸ از سوره مؤمنون: «وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ» و امثال ذلك من الآيات المختلفة.

اما عهد نیز در آیات قرآن در معانی مختلفی بکار رفته است، اول: آیه ۲۳۵ از سوره بقره: «وَلَا تَعْزَمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ» با زنی که شوهرش مرده عقده نکاح برقرار نکنید تا عده ۴ ماه و ۱۰ روزش تمام شود، همانطور که می بینید در اینجا عقد به معنای برقرار کردن پیوند و ارتباط خاصی بین دو نفر که همان عقده النکاح است می باشد.

دوم: آیه ۴ از سوره فلق: «وَمِنْ شَرِّ الْوَقَائِدِ فِي الْعُقَدِ» و امثال ذلك، خلاصه اینکه با توجه به آیات قرآن و روایات و لغت معلوم می شود که بین عهد و عقد از لحاظ معنی تفاوتی فراوانی وجود دارد.

مطلب دوم این است که معنای أوفوا چیست؟ إيفاء یعنی به مقتضای آن عقد و عهد عمل کردن به عبارت دیگر یعنی پایبند بودن به آنچه که براساس عهد و عقد انجام داده مثلاً اگر برای صوم و صلوة عهد کرده باید آن ها را بجا بیاورد و یا اگر برای بیع عهد کرده باید به عهدش پایبند باشد و آن را به هم نزند.

حضرت امام(ره) در اینجا چند مطلب ذکر کرده اند؛ اول اینکه میرزای نائینی در منیة الطالب جلد ۱ ص ۱۵۶ به استدلال بر این آیه اشکال کرده و فرموده که این آیه شامل معاطات نمی شود زیرا عهد به معنای عقد مشدد است و عقد مشدد هم تحققش به صیغه و إنشای لفظی می باشد و چون در معاطات لفظ نیست لذا نمی شود به آیه وفاء برای صحت معاطات استدلال کرد اما حضرت امام(ره) حرف ایشان را رد می کنند که درست هم همین هست زیرا عهد به معنای عقد مشدد نیست بلکه همانطور که عرض کردیم عقد یعنی گره زدن و پیوند دادن دو چیز به همدیگر که این گره زدن در عقد بیع به إنشاء صورت می گیرد چه إنشاء لفظی و چه إنشاء عملی و در معاطات نیز إنشاء عملی وجود دارد و همچنین قبلاً عرض کردیم که در معاملات اصل بر معاطات می باشد زیرا از اول معاملات به صورت معاطاتی انجام می گرفته اند و بعداً ألفاظ و صیغه بوجود آمده اند.